راستش چون در روز و روز گاری به سر میبریم که یکی از مشکلاتش در حاشیههای حوزه نقد و نظر، گاهی واژهسازی من در آوردی است، قصد

ساختن عبارت و عنوان جديدي كه مصاديقش

ای در کر در کر کرد این است. قابل مشاهده یا قابل در ک نباشد در میان نیست! عباراتی چون امداد و فرهنگی/معنوی را کمی با

ر کی کری احتیاط و تسامح کنار هم به کار می برم چون عجالتا آنچه را قصد دارم بیانش کنم بهتر توضیح می دهد. کلمه «امداد» بر معانی و مفاهیم دیگری چون سسرعت عمل و کنش موثُر و کار حیاتی و اورژانسی دلالت دارد. جان کلام این است: گاهی

در مواردی که بحرانی فرهنگی و اجتماعی-اعم از مترقبه یاغیرمترقبه-بلای جانجامعه می شود، جای خالی کنشگران سنتی که در میان اقشار

مردم کوچه و بازار شــهرها و روستاها نفوذ دارند،

به عبارت بهتر و دقیق تر، حضور موثر عملیاتی و امدادگونه از جانب نهادهای سنتی فرهنگی و مذهبی آنچنان که شایسته وبایسته است و

ر انتظارش می رود، دیده نمی شــود. با چند مثال و سوال ساده اصل مطلب را عنوان می کنم و بعد به

احساسمیشود.

ضرورتامدادرسانی فرهنگی-معنوی

نورالله نصرتي خبرنگار داوطلب هلال احمر

بادداشت

ادامه از اینکه «در جامعه به جای تعلیم، تبلیغ و به

جاى تعليل، تكرار راداريم»، ابراز نارضايتي والبته . بی گرار (ریاب کردند: «اگرعقلانیتدر جامعه نباشددوخطر آن جامعه را تهدیدمی کند؛

جامعه نباشده وضوار ارجامه راتهدیمی کند: این اینکه کنیل مطرحی شود» جای تغلیل مطرحی شود» عی توان برسبد ایبا حقیا و انماقات از هیچ مقطعی یک عزم جدی و بیگیر از جانب مبلغان و سختران مجالس مقدسی برای میبارزین فرهنگ تاسخ باور شخیر این برادین فرهنگ تاسخ باور شخیر ماین برادین فرهنگ تاسخ باور شخیر ماین برادین خرهنگ تاسخ باور شخیر ماین برادین خرهنگ تاسخ باور شخیر ماین برادین خرهنگ برادین و بیافتنایی

دریاگرفته تا جنگلهای در مُسیر سفر واز پار کها گرفته تا جویهای آب کوچههاو خیابانها حمله

واعتراضی جانانه صورت گرفته؟!آیادر کنار تکرار و تذکر،به جای فضیلتهایی چون نیکی به پدر و

ر در در دادن خمس و زکات و پوشـــاندن چشم از نامحرم یاسخن از مسائل کلان سیاسی یافلسفی

ر مطالعــه و ترویج فرهنگ کتابخوانـــی و پرهیز از مصالعــه و ترویج فرهنگ کتابخوانـــی و پرهیز از مصرف بی رویه آب بهعنوان یک ســرمایه ملی به

مصرف بی رویه آب به عنوان یک سرمایه ملی به اندازه لازم پر داخته شده و می شود؟ هر آنکه باور ندارد و قبول نمی فرماید چند روزی

به چند محفل و مجلس سری بزند، به نیت رصد

ر ب کردن میزان طرح مسائل و معضّلاتی از آن دست که اشاره رفت اهل مسجد و محافل مذهبی هم

به انصاف خـود و واقعیت موجـود رجوع کنند، انشاءالله که برداشت نگارنده سرا پا تقصیر اشتباه

از آب در آید و با دعای خیر همان عزیزان به راه

است هدایت گر ددامامتاسفانه واقعیت آبر راست

که دغدغههای کلی و عمدتا

برای این دغدغههای امروزی

وبــه روز و حیاتی و امدادی و عملیاتی در فضای فرهنگی و

به خاطــر دارُم که زمانی

به مسین روزنامه محترم شهروند خواندم که وزیر کشور برای مبارزه با اعتیاد از مداحان کمک خواست،

یئولیت میارزه با مواد مخدر در ۵ شهر را به نیروهای بسیج واگذار کرد. انتظار میرود که

متولیان ثواب و صواب ر فتار عموم مردم که هم

اهل دین و علماند و هم دلسوز دنیا و عقبای آحاد جامعه، هم از دامنه نفوذ و اثر گذاری در

بین مردم برخوردارندو هم فعالان شبکههای اجتماعی حقیقی - ونه مجازی - چون مساجد و هیاتها و اصناف و تشکل های مذهبی

و مردمی محسوب میشوند، فارغ از این فراخوانها در خصوص مسائلی چون فراگیری

ر کری کر کری اعتیاد و تخریب محیطزیست و پایین بودن فاجعهبار ســرانه مطالعه در کشـــور و مصرف

بی رویه آب در ُسـرایط خشکســالی کشــور خوف و خروش بیشــتری فرماینــد. آنوقت

حود و حروس بهستری فرماینشد، راوفت شاید بتوان بیش از این که هست، شاهد بود که در شرایط بحرانی ناشی از بلایای فرهنگی و زیستمحیطی و اجتماعی، این امدادگران فرهنگی و معنوی هیم در کاهش اثرات

این بلایا و بحران ها تحرک و همتی موثر به

یں۔ تی رہ خرج می دھند و به چابکسی و حی و حاضری امداد گران و با تب و تاب و دلشورہ آنان به امداد

احتماعہ تنگ کے دماند

طوح منطقهای و جهانی و کهکشانی، به در سطوح منعهدی و جهدی و بهسسی، به آداب وادب و حقوق شهروندی و وظایف قانونی و فضایلی چون احترام به محیط زیست و ضرورت

ـت در تعطیلات از سواحل

جامعهمدني

«پناهگاه وفا» و فعالیتهای آن را بشناسید

حیوانات به کجایناه میبرند؟

طرح نو محیطزیست در یک دهه اخیر، مشکلات زیادی داشته است. مشکلاتی که باعث شد بسیاری از رویای نصفه است. هسکاری که بیشت سد بسیرای از فعالان مدنی به سمت آن کشیده شوند و آن چی اوهای مختلفی را اماهدف بخات زمین و محیطر رست تشکیل دهند در این حلقه که هر کسبی تلاش کرد تا زمین را نجات دهد و بسرای آن کاری کند، حیوانات و پرداختن به آنان تنهاموضوعی بودند که نادیده گرفته شد البته به آنان تنهاموضوعی بودند که نادیده گرفته شد البته بعدها وباهشدارهایی که درباره انقراض نسل یوز ایرانی مطرح شد، نهادهایی هم در این رابطه تشکیل شداما حبوانات دیگر از این حلقه جا ماندند و به حال خود ر ها

شاید کم و بیش بتوان موسسهای را پیدا کرد که به صورت اصولی و درست در رابطــه با حیوانات فعالیت کند. اغلب این موسســات به دلیل ناشناخته بودن گمنام باقی ماندند. مثلا موسسه خیریهای که پناهگاه وفا نام دارد را کمتر کسی می شناسد و با سازوکار فعالیت در آن، آنسنایی دارد. در صورتی که اطلاع درست از فعالیتهای این کانون می تواند وضع حیوانات به خصوص سگها که در این مدت از اُدمهــا بَیُمهریهای ُزیادی دیدهانــدراُجبَران کند؛ موسسهای که پناهگاهی برای نجات حیوانات،مراقبت و نگهداری از آنهاست.

و مهاری را به سال ۱۳۸۲ تاسیس شدو به عنوان پناهگاه وفادر سال ۱۳۸۲ تاسیس شدو به عنوان اولین پناهگاه حیوانات در ایران شروع ب کار کرد. درواقع ۱۱سال پیش و همزمان باشکل گیری تأسیس یک تشکل غیردولتی برای حمایت از حقوق حیوانات، فکر ایجاد یک پناهگاه بسرای حیوانات در ذهن فاطمه ری بر معتمدی شکل گرفت از آنجایی که او یک مدافع و پشتیبان قدیمی حیوانات بود، این ایده باعث شد که " ... ت. کی گرا ۔ اگر سی ... برای شروع کار، طرفداران طبیعت و حیوانات را گردهم جمع کند اولین قدمهای عملی تقریبا در همان زمان آغاز شد و وقُتی همسر فاطمه معتمدی قُطعه زمینی را برای این کار اهدا کرد، گام اصلی برداشته و ساختن ین رکزی پناهگاه آغاز شد. در اواسط سال ۱۳۸۳ این پناهگاه به پستند در سید. در ابتدای راه کمبود امکانات و بودجه بهر مبر داری رسید. در ابتدای راه کمبود امکانات و بودجه باعث به وجود آمدن مشکلات و سختی های زیادی شد. بکی از مهم ترین مشکلات این بود که پناهگاه وفا برای اولین بار در کشور ساخته شده بود و تجربه چنین کاری از قبل وجودنداشت. پناهگاهمیان زمین های بی سکنه و ر . بار . بر در دامنه تپدساخته شدو همین دسترسی به آب وبرق را سخت می کرد. با این حال تلاش کسانی که این پناهگاه را راهاندازی کردند و همچنین احساس مسئولیت در قبال حیوانات باعث شــد، مشکلات رفته رفته کمرنگ سُوندو کارها نظم بیشتری پیدا کنند با گذر زمان، بناهگاه میزبان ۴۵۰ سگی شد که همگی عقیم و

. واکسینه شدهاند و به مردم قابل اعتمادی که استحقاق داشته باشند واگذار می شوند. این اقدام که گامی جدی و مهمی در راستای استیفای حقوق حیوانات بود باعث شد تابانیان پناهگاهانگیزههای بیشتری پیداکنندبرای

یناهگاه وفایک سازمان خیریه غیردولتی است که فقط به کمکهای مردمی و خدمات داوطلبانه اتکادارد؛ این پناهگاه در حاشیه شهر جدید هشتگردو در فاصله یک ساعت و نیمی غرب تهران در جاده قزوین قرار دارد. بت سخت و بیسی حرب جری در . جایی به دور از شهر که صدای سگها برای خانههای اطراف مزاحمت ایجاد نکند. در حــال حاضر، پناهگاه زیرنظر علی ثانی اداره می شود و گروهی از داوطلبان و دّامُپزشُکانخدماتشان رابه این مُرکزُهدیه کردُهاند. باتوجه به فراوانی جمعیت سگ در آن منطقه و آمار ب تو به به عروتی بست که تا در ای تنسب و اندر بالای تصادفات جادهای این حیــوان، پناهگاه وفا برای ساماندهی به وضع ایس حیوان تجهیز شدو و فانام گرفت.این مرکز در دشتهای وسیع شرقی شهر جدید هشتگرددر زُمینی به مساحت ۳هزار متر بناشده است که دارای امکاناتی مثل اتاق نگهبانی، اتاق جراحی، اتاق , بكاوري ، اتاق استراحت اعضا، موتور خانه، آشيز خانه، رُويس بهداشــنى، محوطه خُاكُى جهت قرنُطينه

راروشين كنند تنها تزيينات خانه نيس

داشته باشد تا حواسش را از حرف و سوالات ميهمانان

این که آن رابه استاندار دهای جهانی نز دیک کنند.

این کانون باشید

و أُسيب ديده به اين مركز أورده مي شوند اما خيلي از دوستیبا بیرین براین طرف و روندهی سوسه بینی ر دوستداران حیوانات که نگهداری انهار ا تقبل می کنند کـم کاری بعضی از آمهما را جبرسران می کنند حتی کسانی که خارج از کشور زندگی می کنند درخواست می دهند تا سگی را با وجود آسیب دیدگی های زیادی

یکی از ویژگیهای کانون این است کـه افراد با هر شـرایطی می توانند در آن عضو شــوند و بــه حیوانات

عضویت در کانون وجود ندار دو همه اُفراد با هر سن و سال و توانایی می توانند عضو کانون شوند؛ تنها کافی است که حیوانات و طبیعت را دوست داشته باشند. اگر شما هم مایل هستید تا در این موسسه عضو شوید کافی است برگه عضویت را پر کنید و همراه با فتو کپی شناسنامه و ۲ قطعه عکس به کانون ببرید. البته یک حق عضویت ۱۰ هزار تومانی هم باید بپردازید تا عضوی از

سسگهای ورودی و محوطه سیمانی محصور و حدود ۴۰ لانه در اطراف آن برای نگهداری سگهاست.

خدمات ارایه دهند. درواقع هیچگونه شرطی برای

این نطوریسید. اگر سری به سایت این کلون بزنید متوجه می شوید که خیلی از ســگـها در این پناهگاه عاقبت خوبی پیدا کردهاند. درست است که اغلب آنهادر جاده رهامی شوند

که داردنگهــداری کنند.البته کانون به هر کسـ درخواست کننده باشد سگها را نمی سپارد. بلکه درخواست کننده باشد سگها را نمی سپارد. بلکه شرایطی وجود دارد که باید یک فرد دارا باشد تا بتواند از پناهگاه وفاسگ بگیرد و از آن نگهداری کند. حداقل داشتن ۲۱سال سن، داشتن یک آدرس معتبر، داشتن

فضای کافی و آزاد بودن سگ در محیط خانه یا حیاط (حداقل به مدت ۱۲ ساعت)، موافقت همه اعضای ی خانواده، تحقیق در مور دسایر حیوانُات خانگی متقاضی، موافقت با باز دید بازر س کانون(قبل و بعداز واگذاری)، برداخت هزينه واكسن وقسمتي از هزينه عقيمسازي پر و میکر وچیپ و امضای تعهدنامه باز گرداندن سنگ به پناهگاه در صورت نخواستن سگ، همگی جز و شرایطی اُست که متَقاضَی بایداً آن را دارا باشد تابتواندازُ یکُسگ درخانه خودنگهداری کند.

سختگیریموسسهبرای سپردن سگهابه این دلیل است که برخی باانگیزه فروش سگها تلاش می کنند تا ســگی را از موسســه دریافت کنند، به همین دلیل اعضاى پناهگاه وفابراى اين كه سرنوشت بدترى نداشته سدی هست و برای ین مسروست به طرف است. باشند روی مسأله سپر دن حیوانات دقت زیادی دارد. این کانون در حال حاضر از طرف خیلی از دوستداران

اما تا چندماه پیش از اعتیادش خبر نداشت، هربار که از خانه دور می شد یا پدر در خانه نبود، خماری به جان استخوان هایش می افتاد اما در این سن او معنای اعتیاد را نمی دانست، فکر می کرد اگر کسی پایپ دستش

بگیرد و دود محبوس در حفرهاش را به ریه بفرستد اعتیاد دارد. همین بود که فکر می کرد بیمار شده،

بدنش در دمی کند، سرماخور ده یا سر در دهایش عادی

بن بود که وقتی متوجه اعتیادش شد نمام وجودش را گرفت. در کوچه و خیابان می دوید ساره برخس را طریسه و تمام تلاشیش آسیب زدن به دیگران بود. کودکی ۹ساله، حالا تبدیل به بمبی از نفرت و خشونت از خانواده و جامعه شده، جامعهای که در مقابل اعتیادش

بی تفاوت و بی توجه بوده و خانواده ای که باسهل انگاری و خودخواهی جانش را زخمی اعتیاد کرده.

کر در کارگر او فکر می کند که می تواند برای انتقام از ین جامعه دردی کند، حتی اگر فروشنده مغازه مقابل ـم همبازی هایش او را به باد کتک بگیرد و تا پای پستم. مرگ تحقیرش کند. او هنوز نفرت را در ســلولهای مغزش می پرورد. از مردی که به جــای عطوفت به او

خشونت را تزریق کرده و از مادری که جزیی تفاوتی و خماری از او چیزی ندیده. کودک ۹سالهای که شبها

تاديروقت پابەپاى پدر سطل ھاىسياەزبالەراكنكاش

می کُنْد، پا به پای پدر پس مانده خوش گذرانیهای

مردم شهر رابه دوش می کشد و شبزیر سقفی نیم بند

شاید چند روزی تحت تأثیر قرار گیریم و بعد هم غرق

شویم در سرعت و ســختی و تلخی و شیرینی زندگی

و چندسال بعد در صفحه حادث روزنامه بخواتيم قَصُه مردی را که دهها کودک را بعد از آزارجنا

ر کرر . فجیع ترین شکل ممکن به قتل رسانده و بعد قضاو تش

کنیم و پروندداش را در ذهن مان برای همیشه ببندیم؛ و می توانیم نگاهی مسئولانه به این داستان های مشابه

عم بيندازيم و تلاشمان رابراي بهبود اين وضع به كار ۱۰۰۰ ریار کی ایر برگیار کی این کی از نوجوانی و بندیم تا شاید چندسال بعد خبرهایی که از نوجوانی و جوانی این کودکان می خوانیم، خبرهای تلخ و جانگداز

ے... ــتان زندگی این ۳کودک، روایت زندگی رسیاری از کودکانی است که در فرحزاد زاده می شوند و می بالند. می توانیم نگاهی سـهل انگارانه بیندازیم و

ر ۱۰ ۱٬۰۰۰ فوابانتقاممیبیند روایت داسستان ز

مــراوده و مواجهــه دارند و مخاطبشان قرار میدهند، قطعاگاهگداری طرح موضوع و ارشاد و تبلیغ و انذار و هش

بهتر توضيح و تبيين فرمودهاند. حضرت آيتالأ

تشریح مختصر آن می پردازم. ســوال ســاده: در بحران های اجتماعی چون شیوع اعتیاد در میان جوانان یامیزان آندک مطالعه

ـ تمحیطی که گـروه قابل ملاحظــهای از . هموطنـــان گرامی دچار اُنند یــا در خطر افتادن زیستگونههای نایاب و کمیاب جانوران به خاطر . پدیده شکار غیرقانونی یا بحران بی آبی و کم آبی که در تابستان سال جاری می رفت تا به فاجعهای اجتماعے در همیے پایتخت عزیے و محترم . تبديل شـود، جاي واكنش جدي، موثر و فراگير

اهالــی حســاس و محترم هنر «خصوصــااز طریق آثار **مقصودازبذلعنایت و توجه** تبلیغی ، در اغلب این جمعها بیشترنیزصرفاجنبهتبلیغی یاتکفیریدرخصوصلزوم مورد استثنا- و جای خروش ر با ۱۸۰۰ رفتارهای صحیح اجتماعی و دینی یا پرهیز دادن از رفتارهای و عتاب منبریها و تبشیر و انذار و تعلیم و تعلم خطیبان و وعاظ كجاست؟! البته اد: بُزرُ گــواران که هــر روز و هر ب با مردم کوچــه و بازار

ناصحیحارسر حرامو گناهبودن رفتارهانیستانتظارفراتر، رویکردفرهنگسازانهازنوع آن هم یک روز پس از اینکه وزارت کش

بُحُرانهای اجتماعی انجُــام می دُهند و برخی از ین بزر گواران نیز استثنا هستنداما بحث مابر سر این بزر گواران نیز استثنا هستندامابحث مابر سر قاعدهای است که می بینیم. واقع امر این است که با توجه به ميزان پيشرفت بحرانهاي فوق الذكر، انتظار از حضرات بسي بيشتر است.

مقصّودازُ بــذل عنايــتُ و توجه بيشــتر نيز صرفا جنبه تبليغي يا تكفيــرى درخصوص لزوم رفتارهاى صحيح اجتماعى ودينى يا پرهيز دادن از ر قتارهای ناصحیح از سر حرام و گناه بودن رفتارها نیست، انتظار فراتر، رویکرد فرهنگسازانه از نوع بیسته معندر ورویرور رویخر و رصت سروس و کم تعلیم است این کم کاری از منظر تاثیر گذاری به روز و کارامدا جتماعی و ب عبارت بهتر، این کم عنایتی فرهنگ سازانه و تعلیمی را گاهی برخی از بزرگان دین و علم که خودشان در کنار رسیدگی به مســائل کلان عقیدتی و سیاسی و اجتماعی توجه ویژهای به ابتلائــات روزمره مردم هم دارند به روادی آملی سبوم بهمن ماه سال گذشته (۹۲) در دیدار حجت الاسلام خاموشی رئیس سازمان نبليغات اسلامى ومعاونان ومديران اين سازمان باایشان اظهار داشتند: دو عنصر محوری که حوزه و دانشگاه مسئول آن هستند، تعلیم و تعلیل است. ر جامعهای می تواند پیشرفت کند که هم بفهمد و هم علتش را بداند. این اســـتاد برجسته حوزه در



گزارشی از منطقه فرحزاد تهران

کود کان درّه، دود می شوند



أزمایش اعتیاد دو کودک ۳ساله و ۹ساله ، خوردهاند تابرسند به کنار دیوار و چراغی است از پوسترها و تصاویری که شاید پدر خانه از میان ضایعات دره و محلات و اطراف پیدا کرده، پوستری کــه وارونه روی دیوار نصب شــده، گل های مُصنوعُ چرک که یکی در میان روی شــاخهای پلاســتیک پُسر ۹ساله هم همین طور. مادر می گوید: «رفته اند سرکار» شغل پدر جمع آوری ضایعات است. پسر ش هم با او همراه می شـود تا شـاید بتواند سهمی در ردیف شدهاند، در بین تمام تابلوهای نیمه و شکسته روی دیوار، تصویر احمدشاه مسعود تنها تصویری است که می تواند از تباطی با خانواده ساکن در آلونک داشته باشد. نوزادی ۷ماهه در خواب است و مادر برای این که پتواندوقتی بامیهمانان ناخوانده حرف می زندبهانه ای د, آمد خانه داشته باشد.

ر خونش دیده شده. برادر بزرگترش هم جسمش میزبان متآمفتامین است و اعتیاد ناخواسته به شیشه دارد،

خانه مثبت است. خانه نه بـوی دود می دهد و نه فرشها نشانی از سوختگی های نُسئگی دارُند. پایپها آنقدر شیک و تمینز مغزها را تخلیه می کنند که هیچ نشانی از خود باقی نمی گذارند، جز خشونت و وجشت و درد. پدر در خانه نیست،

همدم بایب بوده تا این که به همت اعضای جمعیت امام علی(ع) اعتیادش را ترک می کند تا نوزاد سومش هم بااعتیاد متولد نشود. اما حالا نوزاد معصوم همچنان مهرب سید موده و پایپ و اعتیادی است که نمی داند چیست و چگونه می تواند در جسمش آشیانه بساز د. پسر ۳ساله خانه با اعتیاد متولد شده و با اعتیاد پسر مست. باست سر مدر زندگی کرده. شیر مادر برایش تسکین بخش تمام دردها بود. حالا هــم بعد از ۳سال متآمفتامین در

فرحزاد شاید برای بسیاری از ما محل تفریح و تفرج باشد اما برای بسیاری دیگر محل زندگی است. محل . تولد، محل بالیدن و قدکشیدن و برای بسیاری دیگر هم فرحزاد محل انتخاب اســت، انتخــاب یک روش هم و حزاد محل انتخاب است، انتخاب ید روش زندگی متفاوت، امادر میان کسانی که فر جزاد برایشان منطقه می بالند و نه انتخابی برای زندگی دارند منطقه می بالند و نه انتخابی برای زندگی دارند چراغهای روشس آلونکها می گویند کـه در زیر سقفی که نوری کمچان از آن آویخته شده، زندگی

جریــان دارد اما به هر کــدام از ِ این آلونکـها که س جریسان دارداما به هر نسدام از این الوندها نه سسر می کشسی می،بینی رخوت در آن موج می;ند. زندگی انسگار به دره رفت ه و در میان آتش پاتوق ها سسوخته تُ انتهاى كوچهُ بوى تعفن مشام رهگذران را می گزد، پر دہای ضخیم به جای در ورودی بر شــکافی می در ه پردهای تستیم به جبی در ورووی پرست کی از دیوار آویزان است و پشت پرده بــا ضایعات آهن پوشـــانده شــده تا خانه حریمی نیم،ند برای خودش داشته باشد. این جا آلونکی است که در آن خانوادهای پنجنفره زندگی می کنند سقفی که طاقت باران ندارد. دیوارهایی که شاید به حرمت نوزادی که به خواب افیون رفته، ایستادهاند تا او حتی در میان خماری و نشتگی بتواند زنده باشد، شاید دیوارها امیدوارند به بهبود زندگی کودک و سایهای افکندهاند بر ج رنجُورشُ تا چندُســالُ پيش اين ديوارها و سُقف هم خانواده نبود. دره فرحزاد در دل تاریکی هایش ر آنها را پناه داده بود. در میان تمام ناامنی هایی که برای ساکنان آن عین امنیت است. ساکنان شبانه ر ر . دره فرحــزاداز تمام امنیت و آرامش شــهر به تاریکی مرموز و پرماجرا و آشــنای دره پنــاه میآورند. روز را در کُوچُهیْس کُوچُهها ســر در گریبان گز می کنند، بُه سطلهای زباله ســرک می کشند، خستگی هاشان را حتى به نگاه عابران هم نمى ريزند، تنها مى گذرند و ىيىنندوردمى شوند.

یاسته باشد ما خواسش را از حرف و سوالات میهمانان پرت کند، او از اناشــیانه در آغوش می کشد و گوشهای می نشیند و با کودکش سر گرم می شود پسر "اساله اما خوابش عمیق تر از آن است که با تکان های مادر بیدار شود. با این که دو کودک در خانه هستند هیچ اثری از می پیسدوردهی سوند. آلونکی تو سری خورده در انتهای یکی از کوچههای کج و معوج فر حزاد محل زندگی یک خانواده است. حیاط کوچک خانه پر از کیسه ضایعات است که قرار ر . . ـ . . . حو جو۔ در در د۔ مصحت تعینے افری ر اسباببازی یا وسسیلہای کہ بتواند آنھا را سر گرم کند در خانه نیست، عروسکی نیمهجان و کهنه گوشهای افتاده و مشخص اســت که حضورش برای هیچ کدام " را ر" " است تبدیل شوند به نان شب اهالی خانه. در ورودی اتاقک پتویی کهنه است بانقش یک پلنگ روی تپهای از ســاکنان خانه مهم نیسـت و کسی ســراغی از او که تمامقاًمت ایستاده، سیمهای برقی که ناشیانه